

افق مبین

نگاهی عالمانه و صادقانه به سخنان

آیت الله العظمی مکارم شیرازی و سایرین

راجع به

زیارت ناحیه مقدسه

مرکز احیاء زیارت ناحیه مقدسه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

زیارت ناحیه مقدسه، تنها زیارتی است که از امام زمان (عج) در رثای سیدالشهداء صادر شده و ویژگیهای منحصر به فردی دارد، لذا زمزمه گاه عاشقان دل شکسته‌ای است که می‌خواهند در سوگ حسین، امام زمان خود را همراهی کنند.

با این وجود، زیارت ناحیه مقدسه در طول تاریخ و بر اثر حوادث، دور از دسترس شده و مردم با آن بیگانه گردیده‌اند.

خوشبختانه عنایات الهی سبب شده، افرادی با این زیارت آشنا گردیده و بر احیای آن همت نمایند. از طرف دیگر آن بیگانگی مردم با این زیارت، سبب شده که احیای این زیارت عظیم‌الشان با طرح سؤالاتی همراه باشد. وظیفه احیاگران این است که با کلام لین و بین و آغوش باز و مهرآگین در خدمت عاشقان حسینی و پیروان مهدوی بوده، روشنگر همه سؤالات و ابهامات باشند. اخیراً (۸۵/۱۲/۱۶) آیه الله العظمی مکارم شیرازی سخنانی ایراد نموده‌اند و سال گذشته (۸۴/۱۱/۹) آیه الله امینی و در سالهای گذشته بزرگان (بعضی مراجع تقلید، بعضی اساتید نامور تاریخ و...) مطالبی بیان کرده‌اند که شایسته است تبیین گردد و همه حقیقت را بدانند و آگاهانه و صادقانه، کلام حق را بپذیرند.

در این جا سؤالات و ابهامات مربوط به موارد اول و سوم مورد توجه قرار گرفته و سخنان آیت الله امینی به جای دیگر (جلدهای ۵ و ۶ هم‌ره نور) واگذار گردیده است. بنابراین، نوشتار حاضر در دو بخش می‌باشد:

بخش اول: سخنان آیت الله العظمی مکارم شیرازی

بخش دوم: سخنان دیگران نسبت به این که زیارت ناحیه مقدسه از کیست؟ از امام زمان است یا از امام هادی یا از امام حسن عسکری یا اصلاً از معصوم نیست؟

بخش اول: سخنان آیت الله العظمی مکارم شیرازی

پیش درآمد

آیه الله العظمی مکارم شیرازی، در ابتدای درس فقه روز چهارشنبه ۸۵/۱۲/۱۶ (آخرین جلسه درس قبل از اربعین و نیز آخرین جلسه سال ۸۵) در بحث اخلاق پیرامون آداب معاشرت دو حدیث بیان کردند و سپس به مناسبت اینکه «در آستانه سفر تبلیغی هستیم» دو نکته را یادآور شدند.

نظر به این که ایشان یکی از مراجع تقلید هستند، مصلحت چنین دیده شد که نامه‌ای متین به ایشان تقدیم شود تا عالمانه و صادقانه، سخنان خود را در همان جلسه درسی اصلاح نموده و حقیقت امر را برای همگان بیان فرمایند. از این رو نامه‌ای تنظیم و توسط حجة الاسلام و المسلمین آقای احمد قدسی به ایشان تقدیم شد. لکن ایشان هیچ گونه پاسخ مکتوب و یا شفاهی ندادند.

نظر به این که بیانات ایشان در میان فضلاء محترم و مبلغین بوده و آقایان محترم تصور می‌کنند کلام عالمانه و صحیحی بیان شده است، ضرورت دارد کلام ایشان و واقعیت امر در اختیار عموم قرار داده شود تا هر کس به وسعت علم و آگاهی و صداقت خویش تصمیم بگیرد.

از این رو بخش اول در سه قسمت ارائه می‌گردد:

قسمت اول - متن سخنان

همانطور که بیان شد، ایشان در پایان بحث اخلاق خود (راجع به جواب سلام!) دو نکته را بیان کردند که عبارات ایشان در نکته دوم عیناً چنین می‌باشد:

... زمانی است که ما احتیاج داریم جلو تفرقه را بگیریم. [اگر] نگیریم خیلی جاها ممکن است از دست برود، این یک نکته است که باید خیلی بهش توجه کرد. [اما نکته دوم] یا مثلاً جلسه تشکیل بدهند، به عنوان زیارت ناحیه مقدسه، جلسه مخصوص آن تشکیل می‌دهند، زیارتی که بزرگان روات اعتماد بر آن

نکرده‌اند؛ مرحوم شیخ عباس در مفاتیح نیاورده. مضمونش، یک مضمونی است که آیا می‌توانی این مضمون را قائل شوی؟

[اشکال اول مضمون:] برزن من الخدور، ناشرات الشعور، لاطمات الخدود. حضرت زینب و سکینه و امثال این بزرگواران، بعد از ظهر روز عاشورا از خیمه‌ها بی حجاب بیرون ریختند موهایشان را پریشان کرده بودند؟! حضرت زینب بی حجاب بیرون آمد؟! ناشرات الشعور یعنی چه؟ یعنی موها را پریشان کردند و بیرون آمدند به عنوان عزاداری، آنهم کی؟ در مقابل سی هزار دشمن. [اشکال دوم مضمون:] در یک جمله دیگرش دارد: بعد از آنکه شما را شهید کردند، بدنهای برهنه شما را روی خاک انداختند، حیوانات بیابان آمدند و بدنهای شما را خوردند. بدن امام حسین را حیوانات بیابان خورد.

حالا آمده و جلسه تشکیل می‌دهند به این عنوان. این همه زیارت نامه داریم آن جامعه کبیره، داریم، زیارت آل یاسین داریم، زیارات معتبر داریم، زیارت عاشورا. همه اینها را رها کرده‌اید، چسبیده‌اید به این زیارت. چه کسانی این کار را می‌کنند؟ گاهی می‌شود ما نه سکوت می‌کنیم آقا چرا دستمال به سر بی درد به بندم؟ چرا عوام را بر ضد خودم تحریک کنم؟ یعنی چه این حرفها. عوام هم ایمان دارد اعتقاد دارد، ولایت دارد. به یک زبان خوب و مستدل، منطقی، دوستانه، دلسوزانه باید بگوئیم اینها را، روشن کنیم. **فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ وَالْأَفْعَلِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.**

به هر حال این یک مسئله است [و مردم باید هر دو نکته را رعایت کنند] منتها با زبان خوب، با ادبیات محبت‌آمیز. یکی تفرقه نیاندازند، یکی غلو [نکنند] و آنچه در شأن معصومین نیست [نگویند].

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

دامت برکاته

با سلام و دعای خیر، جنابعالی قبل از شروع درس فقه روز چهارشنبه ۸۵/۱۲/۱۶، به مناسبت این که «در آستانه سفر تبلیغی هستیم» دو تذکر داده‌اید که دومین مورد آن راجع به «زیارت ناحیه مقدسه» بوده است. نظر به این که اینجانب قریب به ۱۳ سال (از سال ۱۳۷۳ تا کنون) با این زیارت عظیم الشأن آشنا و سخت شیفته آن شده‌ام و تاکنون کارهای مختلفی روی آن انجام داده‌ام، گوشه‌ای از اطلاعات خود را تقدیم حضورتان می‌نمایم تا حقیقت امر روشن گردد.

۱ - فرموده‌اید: «زیارت ناحیه مقدسه زیارتی است که بزرگان روات به آن اعتماد نکرده‌اند».

در این رابطه شایسته است عنایت شود که:

* زیارت ناحیه مقدسه در ابتدا از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) صادر و به یکی از نایبان خاص داده شده است. آنگاه از طریق ایشان به یکی از اساتید شیخ مفید [به احتمال قوی، ابن قولویه] و سپس به دست این بزرگوار، آنگاه به دست سید مرتضی و ابن مشهدی رسیده است.

* این زیارت مروی از معصوم بوده و دارای سندهای مختلف و معتبر می‌باشد و در کتب گوناگون ثبت گردیده و مورد تأیید مراجع تقلید، محدثین و علماء بوده است. توضیح هر یک از این چهار محور بدین شرح می‌باشند:

أ - مروی از معصوم و دارای سندهای مختلف می‌باشد

■ شیخ مفید این زیارت را دارای سند مروی از معصوم علیه السلام

می‌داند؛ چرا که اولاً زیارت را بعد از جمله «زیارة اخري في يوم عاشورا برواية اخري» آورده است. عبارت «بروایة اخري» دلالت دارد بر این که زیارت ناحیه طبق روایت است، نه از انشاءات و تألیفات او و یا علمای دیگر. **ثانیاً** : در ابتدای کتاب «المزار القدیم» فرموده : «از خدا می‌خواهیم که به ما توفیق دهد زبانمان «ادعیه مأثوره» را تکلم نماید... این منتخب برای «اقوال مرویة» وضع شده است».

■ المزار: «وهی مرویة باسانید مختلفة»^(۱).

■ علامه مجلسی فرموده است : «زیارت ناحیه مقدسه منقول و مروی است»^(۲).

■ ابراهیم بن محسن کاشانی این زیارت را در صحیفه مهدیه آورده که اختصاص به روایات امام زمان (عج) دارد. در همین رابطه در ابتدای مقدمه (ص ۳) فرموده: «چون بواسطه غائب بودن نور مستور، سینه‌ام تنگ شده بود، بر تألیف کتابی همت گماشتم که مطالبش از امام زمان صادر شده و منسوب به ایشان است».

همچنین در ص ۲۰۲ برای شروع زیارت ناحیه مقدسه چنین بیان کرده: «زیارتی که از ناحیه [امام زمان (عج)] بسوی یکی از چهار نایب صادر شده است».

از این دو مطلب، روشن می‌شود که ابراهیم بن محسن کاشانی زیارت ناحیه مقدسه را از امام زمان (عج) و شادی‌بخش روح خسته‌ای می‌داند که از غیبت مولا، تنگ شده است.

۱ - صاحب مزار قدیم از علماء قرن ششم هجری قمری است. این کتاب چاپ نشده و یک نسخه خطی آن به شماره ۴۶۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی (ره) موجود می‌باشد. ورق شماره ۱۴۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸: «هذه الرواية منقولة مروية».

■ در دو کتاب مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشيعة چنین آمده است: «الشيخ محمد بن المشهدى فى المزار: زيارة أخرى فى يوم عاشورا ممّا خرج من الناحية الى احد الابواب. قال: تقف عليه و تقول:... و رواه المفيد فى مزاره» «المزار القديم: زيارة اخرى تختص بالحسين عليه السلام و هى مروية باسانيد و هى اول زيارة زار بها المرتضى علم الهدى رضوان الله عليه»^(۱).

باید توجه نمود که جامع احادیث الشيعة زیر نظر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی تدوین شده است. لذا بیان «هى مروية باسانيد» و نیز عبارت «اول زيارة زار بها المرتضى» بسی قابل توجه می باشد.

ب - دارای سندهای معتبر می باشد

■ ابن مشهدی که عالمی موثق است ، در اول کتاب «المزار الكبير» فرموده است: «فقط روایاتی را نقل می کنم که از طریق راویان موثق به ائمه متصل شده است»^(۲).

یعنی: اگر راویان را ذکر ننموده به علت اختصار بوده است، نه این که راوی نداشته ، یا راوی ضعیف بوده است و نظائر اینها.

■ علامه مجلسی در ابتدای «تحفة الزائر» فرموده: «به نظر قاصر رسیده بود که با وجود زیارات منقوله از ائمه اطهار علیهم السلام به زیارت [های] مؤلف علماء احتیاج نبود. خواست که رساله ای تألیف نماید که مقصودش باشد بر ذکر زیارت و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین صلوات الله علیهم اجمعین منقول گردیده است».

۱ - مستدرک الوسائل ۱۰/۳۳۵ ب/۵۳ ح ۱۶ و ۱۷، جامع احادیث الشيعة، ج ۱۵، ص ۴۰۵، ح ۱۶ و ۱۷. توضیح این که عبارتی که در اولین « » است، در حدیث ۱۶ مستدرک آمده و عبارتی که در دومین « » آمده، در حدیث ۱۷ مستدرک و در جامع احادیث الشيعة آمده است.

۲ - «اما بعد، فانی قد جمعت فى كتابى هذا من فنون الزيارات... ممّا اتصلت به من تفات الروات الى السادات...».

■ در ابتدای المزار خطی به شماره ۴۰۶۲ آمده است: «فانی جامع لك فی هذا المزار... و هی جملة ما وقفت علیه من الزيارة الماثورة و بعض ما اخترته من الروایات الصحیحة». و در برگ ۴۷ زیارت ناحیه مقدسه را با این عبارت آورده است: «زيارة ثانية یزار بها الحسين عليه السلام فی يوم عاشورا، مروية عن صاحب الزمان اخرجت من الناحية المقدسه على يد احد البوابین»^(۱).

ج - در کتب گوناگون ثبت گردیده است

■ کتب روایی؛ مثل بحار الانوار علامه مجلسی، عوالم العلوم بحرانی، مستدرک الوسائل، جامع احادیث الشیعه^(۲).

■ کتب دعائی؛ مثل مزار قدیم شیخ مفید، مناسک الزیارات شیخ مفید، مصباح سید مرتضی، مزار کبیر ابن مشهدی، مصباح الزائر سید بن طاووس، پنج مزار خطی: از قرن ششم به شماره ۴۶۲ کتابخانه آیت الله مرعشی، از قرن نهم به شماره ۷۹۳۶ کتابخانه آستان قدس رضوی، از قرن دهم به شماره ۲۲۸۴ کتابخانه مرکز احیاء التراث اسلامی (قم)، از قرن سیزدهم به شماره ۴۰۶۲ کتابخانه آیت الله مرعشی، کتاب علی اکبر فیض متوفای ۱۳۰۰، خطی به شماره ۱۱۲۵ کتابخانه مسجد گوهرشاد.

تحفة الزائر علامه مجلسی، صحیفه مهدیه ابراهیم بن محسن کاشانی، المنتخب الحسنی و سه کتاب به زبان اردو^(۳).

۱ - در نسخه خطی «البوابون» ضبط شده است که غلط بوده و صحیح آن، «البوابین» می باشد.

۲ - بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۹۸، ص ۳۱۷ به نقل از نسخه شیخ مفید - ص ۲۳۱ به نقل از نسخه سید مرتضی. عوالم العلوم، ج ۶۳، نسخه خطی به شماره ۴۷۳۷ کتابخانه آیت الله مرعشی - مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵، ب ۵۳، ح ۱۶ و ۱۷ - جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۰۵، ح ۱۶ و ۱۷.

۳ - هر سه کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می باشد.

■ کتب مقتل؛ مثل شرح زیارت ناحیه مقدسه از سید محمد علی موسوی اصفهانی، کتاب رمز المصیبة^(۱).

■ کتبی که فقراتی از این زیارت را ذکر نموده و به آن استناد کرده‌اند؛ مثل سید محمود امامی در کتاب ثمرات الحیاة^(۲)، حاج شیخ عباس قمی در کتاب نفس المهموم^(۳) - سید عبدالرزاق موسوی مقرّم در مقتل الحسین^(۴) - سید کاظم حسینی رشتی در وقعة الطف^(۵) - محمد محمدی اشتهاردی در سوگنامه آل محمد^(۶).

د - مورد تأیید مراجع تقلید، محدثین و علماء می‌باشد

■ این زیارت از چنان ویژگی، استحکام، جلال و اعتباری برخوردار بوده که مورد توجه سید مرتضی قرار گرفته و بدین جهت «امام حسین صلوات الله علیه را با آن زیارت کرده است»^(۷). مهتمتر این که «این زیارت، اولین زیارتی است که سید مرتضی، امام حسین علیه السلام را با آن، زیارت کرده است»^(۸).

۱ - از سید محمود دهرخی، ج ۳، ص ۱۰.

۲ - چاپ قدیم، ج ۲، ص ۱۸۶ و ۳۶۹. با تقریظ مرحوم صدیقین بزرگ و مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی رضوان الله علیهما.

۳ - نفس المهموم چاپ بصیرتی ص ۲۳۳، ترجمه مرحوم کمره‌ای و چاپ اسلامی ص ۱۰۴ (وقایع شب عاشورا) و نیز ص ۱۷۳.

۴ - مقتل الحسین، ص ۲۲۴ و ۳۶۸.

۵ - وقعة الطف، چاپ نشده است و یک نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی با شماره ۸۷۸۸ موجود می‌باشد. ۶ - سوگنامه آل محمد، ص ۳۷۰.

۷ - سید بن طاووس در مصباح الزائر خود قبل از ارائه زیارت ناحیه مقدسه چنین فرموده است: «زار بها المرتضی علم الهدی رضوان الله علیه». همین عبارت سید در دو کتاب مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشيعة آمده که ملاحظه شد.

۸ - صاحب مزار قدیم (مشخصات این کتاب در پاورقی‌های قبل ارائه شد) قبل از شروع

■ سید بن طاووس در مصباح الزائر فرموده: این زیارت دارای الفاظ شافیه (عباراتی نیکو و جامع) است.

■ کلام ابن مشهدی و علامه مجلسی در بحار و تحفة الزائر و کلام ابراهیم بن محسن کاشانی ملاحظه شد.

■ کلام المزار خطی به شماره ۴۰۶۲ و کلام محدث نوری و جامع احادیث الشیعه ملاحظه شد.

■ مرحوم سید عبد الرزاق موسوی مقرّم در مقتل الحسین، مصدر بعضی از مصائب سید الشهداء را تنها زیارت ناحیه مقدّسه دانسته و به آن استناد کرده است. مثلاً پس از نقل عبارت پر سوز «فلما رأین النساء جوادک مخزياً»، مدرک عبارت فوق را زیارت ناحیه مقدّسه ذکر کرده است^(۱). یا در جای دیگر فرموده است: «و فی الزيارة الناحية يقول حجة آل محمد عجل الله تعالى فرجه فلانديتک صباحاً و مساءً.....»^(۲)

■ محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان این زیارت را در موارد گوناگون کتاب نفس المهموم تأیید نموده و با تعابیر مختلفی ستوده که از آن جمله است:

در وصف امام حسین می فرماید: «سید الشهداء آن گونه بود که فرزندش امام ما مهدی صلوات الله علیه او را توصیف کرده است» آنگاه این جملات را از زیارت ناحیه مقدّسه می آورد: «كنت للرسول صلى الله عليه وآله ولداً و للقرآن سندا و للامة عضداً...»^(۳)

زیارت ناحیه مقدّسه فرموده است: «و هی اول زیارة زار بها الحسین صلوات الله علیه و علیه السلام و هی مرویة باسانید».

۱ - مقتل الحسین، ص ۳۶۸.

۲ - مقتل الحسین، ص ۲۲۴.

۳ - نفس المهموم چاپ بصیرتی ص ۲۳۳، ترجمه مرحوم کمره‌ای، چاپ اسلامی، ص ۱۰۴ (وقایع شب عاشورا). چند سطر از زیارت را ذکر نموده است.

حاج شیخ عباس قمی خیلی صریح و بدون تشویش و احتمال ضعف سند، زیارت ناحیه مقدسه را به امام زمان نسبت داده و آنرا قطعی گرفته و تأیید کرده است.

باز در صفحه ۱۷۳، مصدر جملات «برزن من الخدور..» را زیارت ناحیه مقدسه بیان کرده که در محور سوم ملاحظه خواهد شد.

■ مرحوم آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی قبل از نقل این زیارت فرموده‌اند: «در زیارت امام مهدی صلوات الله علیه توصیف دقیقی از وقایعی که بر جدشان امام حسین علیه السلام گذشته، می‌یابیم»^(۱).

■ مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در پاسخ سؤالی که راجع به سینه زنی برای امام حسین علیه السلام از ایشان شده، فتوی به جواز و استحباب داده و به اموری استدلال کرده‌اند، از جمله فرموده‌اند: «آنچه که در زیارت ناحیه مقدسه در وصف مخدرات اهل بیت سلام الله علیهم وارد شده «للشعور ناشرات..»^(۲).

آن مرد بزرگ علمی برای اثبات جواز سینه زدن برای امام حسین و بیان یک حکم فقهی، استدلال به همین زیارت ناحیه مقدسه و همین جمله مورد نظر حضرت عالی می‌کند. نه تنها اشکال نمی‌کند، بلکه به آن استدلال می‌نماید و این حاکی از اعتماد ایشان به این زیارت و همین جمله مورد نظر می‌باشد.

■ مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ قوام الدین و شنوهای اظهار می‌داشتند که در سنین نوجوانی از مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری پرسیدم که در این عبارت از زیارت ناحیه مقدسه «و

۱ - قادتنا، کیف نعرفهم، ج ۶، ص ۱۱۵: «و نجد فی زیارة الامام المهدی صلوات الله و سلامه علیه وصفاً دقیقاً لما جرى على جدّه الحسين عليه السلام».

۲ - الفردوس الاعلی، ص ۱۳.

سرجک علیه ملویا»، چرا زین را به راکب (امام حسین) نسبت داده است، در حالی که زین را به مرکوب نسبت می دهند^(۱)؟

ایشان پاسخ دادند: در عرب، تعابیر یک گستره‌ای دارد؛ یعنی می توان زین را به هر یک از راکب یا مرکوب نسبت داده و گفت: زین اسب یا زین صاحب اسب.

اگر آقای حائری با آن احتیاط فوق العاده‌ای که داشتند کمترین شک و تردیدی راجع به زیارت ناحیه مقدسه در ذهنشان بود، قاعده‌اش این بود که بگویند این زیارت از طریق اهلبیت علیهم السلام به ما نرسیده و حتی همین جمله را هم شاهدهی بر ضعف زیارت ناحیه مقدسه به حساب آورند، در حالی که ایشان در پی حل اشکال برآمده و آن را دفع نمودند. به عبارت دیگر: ایشان اعتبار این زیارت را مسلم و مفروغ عنه دانسته و مشکل را حل کردند^(۲).

حال با این چهار نوع ویژگی که ملاحظه شد، می توان گفت: بزرگان روات به زیارت ناحیه مقدسه اعتماد نکرده‌اند؟!!

۲ - در تکمیل کلام قبل فرموده‌اید: «مرحوم شیخ عباس قمی زیارت ناحیه مقدسه را در مفاتیح نیآورده است».

در این راستا باید به سه نکته عنایت نمود:

۲/۱ - آیا شیخ مفید، سید مرتضی و دیگر بزرگان (که چهل نفر آنها در این جا ذکر شد) مهم تر بوده، یا حاج شیخ عباس قمی؟ شیخ مفید که حتی مرسلات او نیز مورد تأیید است، این زیارت را در دو کتاب خود آورده است. سید مرتضی هم آن را نقل و به آن عمل نموده است و سید بن طاووس و دیگران به آنان اعتماد کرده‌اند.

۱ - زیرا معنی جمله مزبور این است که ای حسین، زین تو بر آن اسب واژگون شده بود.

۲ - همزه نور، ج ۱، ص ۳۶، سخنان آیت الله کریمی جهرمی.

مرحوم مجلسی که مرجع تقلید و حدیث شناس ماهر و صاحب مرآت العقول و بحار الانوار و دهها کتاب دیگر بوده است، زیارت ناحیه مقدسه را در بحار الانوار و تحفة الزائر (کتابی که حدود ۳۰۰ سال کتاب دعای رائج جامعه بوده) آورده است.

بنابراین: اگر مرحوم شیخ عباس قمی زیارت ناحیه مقدسه را در مفاتیح نیاورده، دیگران که از او اقدم و در مراتب علمی، بالاتر بوده‌اند، زیارت ناحیه مقدسه را در کتب خود نقل کرده و به این زیارت اعتماد کرده‌اند.

۲/۲ - اگر مرحوم شیخ عباس قمی زیارت ناحیه مقدسه را در مفاتیح نیاورده، ولی مورد تأیید ایشان بوده و به آن اعتماد داشته است، چنان که ملاحظه شد.

۲/۳ - نیاوردن یک مطلب در مفاتیح، دلیل بر قبول نداشتن نیست. اگر عدم الذکر دلیل بر عدم اعتماد باشد، پس زیاراتی که مورد اعتماد سید مرتضی، شیخ طوسی، سید بن طاووس، ابن مشهدی و... می‌باشد و در مفاتیح نیامده، اعتبار ندارد. مثلاً زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام که در بحار^(۱) به نقل از شیخ مفید، ابن مشهدی و سید بن طاووس آمده، در مفاتیح نیست. یا زیارت شهدا^(۲) که از امام هادی بوده و اکثر کتب دعائی نقل کرده‌اند، در مفاتیح نیامده است.

۱ - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۰۶، ب ۳۵، ح ۳۳.

۲ - زیارت شهداء در بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۶۹ آمده است.

۳ - فرموده‌اید: مضمونش [زیارت ناحیه مقدسه] یک مضمونی است که [آیا] می‌توانی این مضمون را قائل شوی؟ [مثلاً جمله] «بوزن من الخدور، ناشرات الشعور، لاطمات الوجوه» .

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در نفس المهموم می‌فرماید: در زیارت ناحیه مقدسه است که:

«اسب شتابان به خیمه‌ها می‌آمد و می‌گرید و می‌گریست. چون زنان حرم اسب غرقه به خونت را دیدند و زینش را واژگون، سراپرده بیرون شدند و موپیشان، سیلی به رخ زنان، چهره باز و شیون کنان، عزیزان خوار شده، به قتل گاهت دوان دوان آمدند.»^(۱)

ذکر این جملات دو چیز را نشان می‌دهد: یکی اینکه مرحوم حاج شیخ عباس زیارت ناحیه مقدسه را قبول دارد. دیگر اینکه همین جملات مورد اشکال حضرت عالی را بدون ایراد قبول دارد و مستند می‌داند.

۴ - در بیان دومین اشکال مضمونی فرموده‌اید: «بعد از آن که شما را شهید کردند، بدنهای برهنه شما را روی خاک انداختند، حیوانات بیابان آمدند و بدنهای شما را خوردند، بدن امام حسین را حیوانات بیابان خوردند.»

عبارات فوق در زیارت ناحیه مقدسه نیست. تنها جایی که می‌تواند مورد نظر جنابعالی باشد عبارات زیر است:

«السَّلام على الاجسام العارية في الفلوات، تنهشها الذئاب العاديات، و تختلف اليها السباع الضاريات»

برای معانی این جملات دو احتمال هست: یکی معنای حقیقی و یکی معنای استعاری. برای معنای استعاری هشت روایت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و

(۱) - نفس المهموم عربی، ص ۳۷۵، ترجمه کمره‌ای، ص ۱۷۳.

امام صادق علیه السلام و امام حسین علیه السلام در همزه نور، ج ۲، ص ۹۲ تا ۹۶ تبیین شده است که یک نمونه آن سخن امام حسین علیه السلام است. ایشان هنگامی که خواست از مکه خارج شده و به عراق برود، مقابل مردم ایستاد و پس از حمد خداوند متعال و درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنرانی کرد و ضمن آن فرمود:

«سرزمینی برای کشته شدن من انتخاب شده که به آن خواهم رسید و گویا می بینم که گرگهای بیابان اعضای بدنم را بین نواویس و کربلا قطعه قطعه می کنند»: «كأنّی بأوصالی تُقَطَّعُها عُسلانُ الفلوات بین النواویس و کربلا».

بر این اساس، معنای استعاری در ترجمه (همزه نور، ج ۳، ص ۳۳) چنین آورده شده است:

سلام بر پیکرهائی که در بیابانها [ی کربلا] عریان مانده بود. [در حالی که هنگام شهادت] گرگهای تجاوزگر [بنی امیه] تکه تکه پاره شان می کردند و درندگان خونخوار [کوفیان] اطرافشان رفت و آمد می نمودند.

این عبارات می گوید: بدن امام معصوم علیه السلام که مورد احترام درندگان هست (چنان که نمونه هائی از ائمه اطهار داریم)، ولی قساوت قلب بنی امیه و کوفیان چنان بود که بدن امام حسین علیه السلام را قطعه قطعه کردند.

۵- فرموده اید: «حالا آمده اند به این عنوان جلسه تشکیل می دهند. این همه زیارت نامه داریم.... همه اینها را رها کرده اید چسبیده اید به این زیارت».

فعلاً وارد نسبتی که به برگزار کنندگان و احیاگران زیارت ناحیه مقدسه داده اید، نمی شوم، زیرا طبق حدیث شریف «لاحکیم الا ذو عثرة»^(۱).

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۴.

اما علت احیاء زیارت ناحیه مقدسه

زیارت ناحیه مقدسه آموزه هائی از عشق و معرفت و عرفان و سوز و حماسه و توسل است. در عین حال که مرثیه است، مسئولیت آفرین و حرکت ساز هم هست؛ چرا که مرثیه خوان، انسان کامل و استاد جامع است. ظاهر و باطن را، معرفت و سوز را، عشق و عرفان و... را با هم آمیخته و واقعیات جانگداز را با زبان ملکوتی خویش ترنم نموده است.

زیارت ناحیه مقدسه، انسان را با جهان بینی توحیدی و انبیاء و کمالاتشان آشنا می‌نماید و با مصائب و سختی‌های راه مأنوس می‌گرداند. عنایت‌های ویژه الهی را برمی‌شمارد تا نصرت‌هایش روشن شود و هر کس باور کند که وعده خدا حق است.

سپس معارف بلندی را بصورت سلام‌های گوناگون تعلیم می‌دهد و امام حسین را در ابعاد مختلف معرفی می‌نماید. آنگاه اوصاف و عملکرد امام حسین را در دوران معاویه بیان می‌کند، سپس زمینه‌ها و فلسفه قیام و حرکت ایشان و مراحل آن نهضت عظیم را تبیین می‌کند. چگونگی ناجوانمردی‌های دشمنان را شرح می‌دهد و مصائب سید الشهداء را بسیار غمناک می‌سراید.

زیارت ناحیه مقدسه، صحنه کربلا و مظلومیت کربلائیان را به گونه‌ای ترسیم می‌نماید که احساس‌ها از عمق جان برمی‌خیزد و شراره‌هایش شعله‌ور گشته، جان را به فغان وامی‌دارد؛ آنچنان که غمناک بنالد. نه ناله از روی احساس، بلکه ناله‌ای برخاسته از معرفت و حرکت ساز.

زیارت ناحیه مقدسه، آنقدر معرفت‌افزا و حزن برانگیز است که بدون روضه، دل هر انسانی را به گونه‌ای می‌شکند که اشک با معرفت از عمق وجودش بیرون می‌ریزد و با شور و عشق همی‌زار می‌گیرد.

آری! زیارت ناحیه مقدسه، چهره کربلا را با تعبیری بلند و عباراتی زیبا و موزون و در فضائی سرشار از سوز و گدازهای مخلصانه و عارفانه بیان می‌نماید و آنگاه که سراسر وجود انسان را سرشار از سوز و معرفت کرد و او

را با تمام وجود، مستعد حرکت و تحوّل نمود، خط مشی زندگی را برایش ترسیم می‌کند؛ جانش را با تولّی و تبرّی مأنوس می‌سازد تا محبت اهل بیت و بیزاری از دین براندازان، ره توشه‌اش گردد و سلام بر حسین و حسینیان و لعن بر یزید و یزیدیان طول تاریخ، ورد قلب و زیباتش شود و بالاخره راه «بنده واقعی خدا» و عبد الله شدن را به او می‌نمایاند.

راستی، کدام زیارتی مثل زیارت ناحیه مقدّسه، معرفت افزا، حزن برانگیز و روح بخش است و هر کس را بخود جذب می‌کند؟

کدام زیارتی عظمت مصیبت سید الشهداء و ژرفای فاجعه کربلا را با عباراتی گویا و زیبا و معانی عمیق و دقیق، بیان کرده است؟

کدام زیارتی آن اطلاعات دقیق و مفصل را با تعابیر ظریف بیان کرده و فرای از ظاهر، هوای خاص حسینی را بدنبال دارد و هر خواننده‌ای را به وادی عشق می‌کشاند؟

مگر آنهمه زیارات نبود، پس چرا سید مرتضی (ره) امام حسین علیه السلام را با زیارت ناحیه مقدّسه زیارت می‌کرد؟ و حاج شیخ عباس قمی در نفس المهموم به آن استناد کرده و امام حسین علیه السلام را موصوف فرزندش مهدی صاحب زمان در زیارت ناحیه مقدّسه می‌داند؟

در پایان، دو نکته را متذکر می‌شوم:

۱- روش استدلال

مسجد مقدّس جمکران با آنهمه کرامات و معنویاتی که دارد و فضیلتش از اکثر مساجد دنیا بیشتر است، طبق کدام مدرک مورد تأیید حضرت عالی است؟ آیا منشأ آن بیشتر از داستان حسن بن مثله است، آنهم با مشکلاتی که دارد؟ کدام یک از بزرگان از شیخ صدوق و شیخ مفید تاکنون مسجد مقدّس جمکران را در کتب خود تأیید کرده‌اند؟

بدیهی است که تأیید هر چیز بر حسب خودش می‌باشد و راه‌های تأیید منحصر به یک مورد خاص نیست. خصوصاً این که تسامح در ادله سنن مورد

قبول علماء می باشد. به هر حال داشتن روش صحیح استدلال و توجه به شرائط هر موضوع ضروری است.

ب - نتیجه اقدام حضرت عالی چیست؟

در این زمان که عقائد شیعه مورد هجوم دشمنان، خصوصاً وهابیت می باشد و نیاز به انسجام اسلامی داریم، چنین حرکتی علیه زیارت ناحیه مقدسه، تقویت اهداف دشمنان و وهابیت نیست؟ و مردم را از عزاداری آگاهانه دور نمی کند و حال جامعه خصوصاً اهل دل را نمی گیرد؟ و شیعیان و حسینیان دلسوخته را متفرق نمی سازد؟

سید هدایت الله طالقانی

۱۳۸۵/۱۲/۲۸

قسمت سوم - تکمیل نامه

در نامه عمداً به چهار موضوع پرداخته نشد ولی در این مرحله مورد توجه قرار می گیرد.

۱ - اشکال دوم کلام ایشان

در تکمیل پاسخ (اشکال دوم کلام ایشان) باید توجه داشت که: مرحوم حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح را با «زیارت قبور مؤمنین» تمام کرده است و سپس ملحقات را با هشت موضوع بیان کرده و هرگونه تصرف در مفاتیح را ممنوع نموده و تصرف گر را لعن کرده است. ملحقات دوم موجود در مفاتیح از شیخ عباس قمی نیست و در این ملحقات، دعای مکارم الاخلاق آمده است. یعنی دعای مکارم الاخلاق در مفاتیح نیست! چنانکه سایر ادعیه صحیفه سجادیه در مفاتیح نیست. حال می توان گفت صحیفه سجادیه سند ندارد؟

۲ - اشکال سوم کلام ایشان

جملات ایشان مختصر شد که اصل آن بطور کامل در قسمت اول بیان شد. علاوه بر آن، پاسخ به اشکال فقط از طریق خاص داده شد: ایشان طبق

سخنرانی خویش مرحوم حاج شیخ عباس قمی را قبول دارند، چرا که فرموده‌اند: «بزرگان روات به زیارت ناحیه مقدسه اعتنا نکرده‌اند و مرحوم حاج شیخ عباس قمی آن را در مفاتیح الجنان نیاورده است»^(۱).

در نامه قصد بر این بود که گفته شود شما که مرحوم حاج شیخ عباس قمی را قبول دارید، ایشان زیارت ناحیه مقدسه و خصوصاً همین جمله مورد اشکال جنابعالی را قبول دارد. پس شما که صادقانه عمل می‌کنید در این جمله نیز تابع حاج شیخ عباس قمی باشید. ولی در اینجا چون عموم علماء و فضلا و تمامی مردم مورد نظر هستند، لازم است اطلاعات لازم به آنها داده شود تا هرچه بهتر و بیشتر، عظمت زیارت ناحیه مقدسه را درک کنند، لذا پاسخ آن چنین تبیین می‌گردد:

اولاً: اگر این جملات اشکال داشت، مصدر یک حکم فقهی برای آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء قرار نمی‌گرفت.^(۲)
ثانیاً: معنای جملات چنین است:

برز، دو معنا دارد: ۱ - آشکار شد، ظاهر و نمایان شد، به نظر آمد^(۳)
۲ - خارج شد^(۴). اگر معنای اول برزن را هم در نظر بگیریم، مقدمه قطعی ظاهر شدن، خروج می‌باشد، تا انسان از محلی بیرون نیاید، آشکار نمی‌شود. بنابراین: برز، مستقیم یا غیر مستقیم به معنای خروج است. تا انسان از محلی بیرون نیاید، آشکار نمی‌شود.

خدور: جمع خذر به معنی هر نوع پوشش است، ولی در اینجا به معنی «پرده»

۱ - در حالی که بزرگان روات به زیارت ناحیه مقدسه اعتنا و عمل نموده‌اند.

۲ - کلام ایشان و توضیحات آن در سطرهای قبل ارائه شد.

۳ - العین، مفردات راغب، مصباح، لسان العرب، مجمع البحرین، فرهنگ بندرریگی، فرهنگ نوین.

۴ - العین، صحاح، لسان العرب، فرهنگ ریگی.

خیمه» است نه خیمه.

چنانکه در العین چنین معنا شده است: خدر: ستر یُمَدُّ للجاریة فی ناحیه البیت. «پوششی که برای زن در ناحیه خانه قرار داده می شود».

بنابراین :

بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ: زنان از پس پرده خیمه ها [خارج شده و در بیرون خیمه ها] ظاهر شدند.

ناشرات الشعورِ علی الخدود: در حالی که گیسوانشان را بر چهره ها پریشان ساخته بودند.

لاطمات الوجوه، سافرات : سیلی بر صورت های بازشان می زدند.

«لاطمات الوجوه» و «ناشرات الشعور علی الخدود» هر دو حال برای فاعل جمله «برزن من الخدور» می باشد. سافرات، حال برای «وجوه» و به معنی روباز، برهنه، نقاب از چهره انداخته، می باشد.

در این جا دو کلمه قابل تأمل می باشد، یکی ناشرات الشعور علی الخدود» و دیگری «سافرات».

اشکالی که به ذهن می رسد این است که چگونه اهل حرم خصوصاً حضرت زینب و ام کلثوم مو پریشان کرده و با چهره باز در برابر دیدگان نامحرمان ظاهر گردیدند؟

جواب ها

۱ - طبق چه دلیلی، حضرت زینب و ام کلثوم را جزء این افراد حساب می کنیم؟ آن دو فعل، جمع آورده شده است که دلالت بر سه نفر به بالا می کند، نه دلالت بر تمامی زنان (در عصر عاشورا بیست زن در اردوگاه حسینی بودند). اگر هم دلالت بر تمام زنان کند، می تواند از باب تغلیب باشد. در این صورت حضرت زینب و ام کلثوم جزء این افراد نبوده و هیچ اشکالی بوجود نمی آید. حال به رتبه بالاتر رفته و می گوئیم حضرت زینب و ام کلثوم جزء این افراد بوده اند. در این صورت جواب زیر مورد توجه قرار می گیرد:

۲ - در حالت هیجانی و در وهله اول چنین امری اتفاق افتاده و پس از اندکی زنان بخود آمده و حجاب خود را رعایت کردند.

درک این واقعیت و قضاوت فقط در حد کسانی است که آن شرایط حساس جانسوز را لمس کنند، همه می شنوند که مثلاً مردم فلان شهر قتل عام شدند و یا در اثر زلزله و سیل، جان باختند. این شنیدن و فهمیدن، روی شنونده یا اصلاً تأثیر نمی گذارد و یا بسیار کم. اما اگر بجای کشته و زخمی شدن صدها و هزاران نفر، به کسی خبر داده شود که بچه‌ات زیر ماشین رفت. آیا همان بی تفاوتی را دارد؟! مردن این یک نفر برای صاحبش آن چنان سوز جانفرسائی بوجود می آورد که سراسیمه دست از همه کارها می کشد و دیوانه وار به سراغ بچه اش می دود.

باید حسینی شد و عظمت مصیبت را درک نمود، آنگاه در آن شرایط قضاوت کرد که چه کار صحیح است و چه کار غلط. درک آن شرایط حتی برای اسب قابل تحمل نبود و اسب در اثر آن فاجعه گریست و دوان دوان بسوی خیمه ها آمد!!

در هر حال اهل حرم در ابتدای امر، همین که اسب با وفای حسین را بدون صاحب و گریان دیدند از خود بی خود شده و عکس العمل شدیدی انجام دادند، یعنی پوشیه و نقاب از چهره انداختند و موی سر بر صورت ریخته و مو پریشان کردند و بر صورت باز خود سیلی زدند. اما لحظاتی بعد که کمی آرام گرفتند، بخود آمدند و متوجه شدند که اگر با چنین وضعی از محوطه مسدود خیمه ها خارج شوند، دشمن آنها را می بیند، در این هنگام موی خود را پوشاندند و سپس بسوی قتلگاه رفتند.

در این صورت نیز اشکالی نیست؛ چرا که در آن شرایط بحرانی و اضطرار، حکم فقهی چیز دیگر است.

مسئله مهم تر این که همین حالت بحرانی و اضطراری در محدوده خیمه ها بوده و خیمه ها خصوصاً خیمه های زنان در کنار هم و در میان محوطه خیمه گاه

بوده است. خروج از خیمه‌های زنان، مثل اینست که کسی از اطاق خارج شود و در حیاط خانه باشد. زنها از خیمه‌های خود خارج شدند ولی اطرافشان خیمه مردها بوده است. در این صورت نامحرمان، زنان را نمی‌دیده‌اند. حال چه اشکالی دیده می‌شود؟

پس روشن شد که جملات مذکور هیچ اشکالی ندارد، مسئله مهم فهم و درک شرائط حساس و بحرانی است که بیگانگان از آن محروم هستند. گوش می‌خواهد ندای آشنا آشنا داند صدای آشنا^(۱)

۳ - اشکال پنجم کلام ایشان

در کلام ایشان آمده که عَلَى الْعَالَمِ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمَهُ وَ الْإِفْعَالِيَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ. سؤال این است که عالم علمش را بیان کند تا مردم جاهل را عالم و بینا کند یا با جهلش مردم را از عزاداری و همراهی با امام زمان دور سازد؟ مهمتر این که اصل حدیث چنین است: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَلِلْعَالَمِ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمَهُ وَ الْإِفْعَالِيَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ.^(۲) و حدیث مربوط به ظهور بدعت‌ها در میان مردم است. سؤال‌های دیگر در این است: اولاً می‌توان در درس اخلاق حدیثی را تقطیع کرد و مفهومی خاص و غیر از مراد حدیث را القاء نمود؟! ثانیاً می‌توان حدیث شریفی را که شیخ مفید، سید مرتضی، ابن مشهدی، سید بن طاووس، مجلسی و دیگران نقل کرده‌اند (که نام چهل نفر آنها بیان شد) و سید مرتضی به آن عمل نموده است، بدعت نامید؟! در این صورت همه این بزرگان العیاذ باللّٰه بدعت گذار بوده‌اند؟! این سؤالات، صحیح و متناسب با درس اخلاق است؟!

۱ - عمان سامانی.

۲ - امالی شیخ مفید ص ۱۲۲، حدیث نبوی. در اصول کافی (ج ۱، ص ۵۴) حدیث مشابهی به این شکل آمده است: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهَرِ الْعَالَمِ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلِيَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ.

۴ - اشکال جدید (اشکال ششم)

نکته بسیار مهم و دقیقی که شایسته است تمامی علماء، فضلاء و مردم مورد توجه قرار دهند این است که:

«تایید هر چیز بر حسب خودش می‌باشد و راه‌های تأیید منحصر به یک مورد خاص نیست»

بطور مشخص، اگر بخواهیم با همان روشی که در فقه مصطلح، رائج است عمل کنیم، بسیاری از ارزشهای مسلم را از دست می‌دهیم. مثلاً نهج البلاغه با آن همه ارزش والائی که دارد و بالاترین کتاب پس از قرآن کریم است آیا سلسله سندش بطور معنعن و موثق است یا استحکام آن به روش دیگر اثبات می‌شود؟

آیا دعای ندبه، دعای کمیل و دعای توسل سند روشن و متقنی دارند؟
دعای ندبه از کدام معصوم صادر شده و چه سندی دارد؟ مسجد جمکران چگونه مورد وثوق است؟

آیا می‌توان گفت که صدها هزار نفر، دعای ندبه نخوانند؟ و آیا می‌توان منکر فضائل و عظمت دعای کمیل شد و آیا می‌توان منکر معنویت و قداست مسجد جمکران شد؟

باید مواظب باشیم دشمنان یا دوستان، ما را آگاهانه یا جاهلانه، گمراه نکنند و ارزشهای اسلامی را از دست ندهیم.

بخش دوم

فقط يك زیارت به نام «زیارت ناحیه مقدسه» وجود دارد
و آن هم قطعاً از امام زمان (عج) می باشد.

مقدمه

زیارت ناحیه مقدسه، سوگواره امام زمان برای جد بزرگوارش حسین بن علی علیهما السلام بوده و به ایشان اختصاص دارد. برخی از بزرگان و اساتید معروف تاریخ و دیگران گفته اند^(۱)، این زیارت از امام زمان نیست، بلکه یا از امام حسن عسکری و یا از امام هادی علیهما السلام است. سبب این سخن، غفلت و توجه نکردن به زیارت ناحیه مقدسه و عدم تفکیک بین آن و زیارت شهدا است. برای روشن شدن نادرستی کلام این بزرگان، لازم است ابتدا هر دو زیارت بررسی و تفاوت های آن دو مشخص شود.

۱- زیارت شهدا

این زیارت را سید بن طاووس، رضوان الله علیه، در الاقبال بالاعمال الحسنه از جدش شیخ طوسی، رضوان الله علیه، چنین نقل می کند :

رَوَيْنَا بِاسْنَادِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ (ره) قَالَ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عِيَّاشٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الصَّالِحُ أَبُو مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ الْمَنَعَمِ بْنِ النُّعْمَانِ الْبَغْدَادِيِّ (ره) قَالَ :

خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ عَلِيُّ بْنُ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ الْإِسْفَهَانِيِّ حِينَ وَفَاةِ أَبِي (ره) وَكُنْتُ حَدِيثَ السَّنِّ وَكُتِبَتْ اسْتَأْذَنَ فِي زِيَارَةِ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَزِيَارَةِ الشَّهَدَاءِ رَضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَخَرَجَ إِلَيَّ مِنْهُ :

۱- اسامی و عین عبارات آنها در پایان ملاحظه خواهد شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الشَّهَدَاءِ رَضْوَانَ اللَّهَ عَلَيْهِمْ فَقِفْ عِنْدَ رِجْلَيْ الْحُسَيْنِ (ع) وَهُوَ قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ فَإِنَّ هُنَاكَ حَوْمَةَ الشَّهَدَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأُومِ وَأَشْرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُلْ:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سَلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلِيٍّ أَبِيكَ إِذْ قَالَ فَيْكَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوكَ يَا بُنَيَّ مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَ عَلَى انْتِهَاكَ حَرَمَةَ الرَّسُولِ، عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا، كَأَنِّي بَيْنَ يَدَيْهِ مَائِلًا وَ لِلْكَافِرِينَ قَائِلًا... (۱)

بعد نام شهدای بنی هاشم و به دنبال آن نام شهدای کربلا ذکر شده است و برخی ویژگی‌های آنان هنگام شهادت بیان گردیده و به آنان سلام داده شده و قاتل نام برده شده و بر او لعن فرستاده شده است.

بنابراین، این زیارت، از آغاز تا انجام مربوط به شهدای کربلا می‌باشد، بدون این که به زیارت خود امام حسین علیه السلام پرداخته و به ایشان سلام داده شده باشد.

۲- زیارت ناحیه مقدسه

زیارت ناحیه مقدسه، با سندهای معتبر و متعدد از امام زمان عجل الله فرجه الشریف، روایت شده است.

این زیارت ابتدا توسط یکی از نایبان خاص از «ناحیه مقدسه» امام زمان

۱ - الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۳، ص ۷۳، بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۹۸، ص ۲۶۹، همین مطلب در ج ۴۵، ص ۶۵ نیز آمده و مختصر شده است. در تحفه الزائر، فصل دوم زیارات مطلقه، زیارت شانزدهم چنین آمده است: سید بن طاووس و شیخ محمد بن المشهدی رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که: زیارت می‌کنی شهدای کربلا رضوان الله عليهم را....

(عج) خارج شده است. آن گاه از طریق ایشان به یکی از اساتید شیخ مفید؛ به احتمال قوی، محمد بن قولویه و سپس به دست این بزرگوار رسیده است.^(۱)
ناقلان اصلی و مشخص این زیارت، شیخ مفید، سید مرتضی و ابن مشهدی هستند.

برای منشأ صدور زیارت ناحیه مقدسه چنین آمده است: خرجت من
الناحية المقدسة على احد البوابين.^(۲)

علامه مجلسی در تحفة الزائر فرموده: «شیخ محمد بن مشهدی (ره) ذکر کرده است که زیارت دیگر است در روز عاشورا که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه الشریف به سوی بعضی از نایبان آن حضرت بیرون آمده است».

سپس چنین آمده است: «اذا اردت زيارة الحسين (ع) وعملت مقدماتها فادخل القبة وقف على القبر و قل:

السّلام على آدم صفوة الله من خليقته السّلام على شيث ولي الله
خيرته السّلام على ادريس القائم لله بحجته السّلام على نوح المجاب في
دعوته...

مطالب این زیارت در ده بخش می باشد که در کتاب همراه نور مشخص شده است.

۳ - تفاوت های این دو زیارت

۳/۱- نام: نخستین و مهم ترین تفاوت این دو زیارت، نام آنها است. نام یکی، زیارت شهدا و اسم دیگری، زیارت ناحیه مقدسه است. بدین لحاظ زیارت شهدا در بخش زیارات الشهداء آمده، در حالی که زیارت ناحیه مقدسه در بخش زیارات الحسین آمده است.

۱ - برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به: همراه نور، ج ۱.

۲ - برای ملاحظه جملات دیگر و توضیحات رجوع شود به همراه نور، ج ۲، ص ۴۴.

۳/۲- سند: زیارت شهدا، سلسله سند دارد و راویان آن ذکر شده‌اند. زیارت ناحیه مقدسه فقط دو طبقه راوی می‌خواهد که شیخ مفید رضوان الله علیه آن دو را مشخص نکرده است، یعنی بدون ذکر نام استادش و نایب خاص امام زمان، روایت می‌کند.

۳/۳- سال صدور: همانطور که در ابتدای سند زیارت شهدا ملاحظه شد، این زیارت در سال دویست و پنجاه و دو هجری قمری صادر شده است. این سال مربوط به دوران امام هادی علیه السلام است؛ زیرا، ایشان در سال دویست و بیست هجری قمری به امامت رسید و در سال دویست و پنجاه و چهار هجری قمری به شهادت رسید.

۳/۴- منشأ صدور و واژه‌های ناحیه و ناحیه مقدسه:

در زیارت شهدا، واژه «خرج من الناحیه» بکار رفته است، ولی در زیارت امام حسین، از واژه «خرجت من الناحیه المقدسه» استفاده شده است. واژه «ناحیه»، در فرهنگ شیعه، از باب تقیه و از روی احترام، برای امام هادی و امام عسکری علیهما السلام استفاده شده است. این کلمه در متون و نصوص تاریخی به عنوان کنایه از شخص دیگری بکار نرفته است، این اصطلاح، همانند «عالم» است که برای امام موسی کاظم بکار می‌رفته است و در روایات شهرت دارد.

واژه «ناحیه»، در برخی از روایت‌ها، برای حضرت مهدی علیه السلام، نیز استفاده شده است^(۱)، در نتیجه کلمه ناحیه برای سه امام آخر بکار رفته است، ولی هر جا اصطلاح «ناحیه مقدسه» به کار رفته، فقط برای امام زمان (عج) است. یعنی این لقب اختصاص به حضرت حجت دارد؛ چرا که با ملاحظه واژه

۱ - مثل: بحار، ج ۵۳، صفحات ۱۱۷، ۱۶۲، ۱۷۹ - ج ۸۶، ص ۱۴۶ - ج ۹۸، ص ۲۶۹ - ج ۹۹، ص ۹۲ - ج ۱۰۰، ص ۱۸۲.

«ناحیه مقدسه» در تمامی کتب روائی^(۱) روشن می‌شود که همه آنها در بحارالانوار جمع بوده و در این کتاب، سی و چهار بار به کار رفته و منظور از این واژه، فقط امام زمان (عج) است.

آدرس این موارد چنین است: جلد ۲ صفحه ۲۷۷؛ جلد ۵۲ صفحه ۹۲؛ جلد ۵۳ صفحات ۱۷۱ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۲۶۷؛ جلد ۶۳ صفحه ۴۸۲؛ جلد ۷۶ صفحه ۱۶۶؛ جلد ۷۷ صفحه ۲۶۳؛ جلد ۷۸ صفحه ۳۲۸؛ جلد ۸۰ صفحات ۲۲۳ و ۲۳۸ و ۲۷۴؛ جلد ۸۲ صفحه ۱۲۸؛ جلد ۸۶ صفحات ۳۲۳ و ۳۲۴؛ جلد ۹۱ صفحات ۲ و ۳۶؛ جلد ۹۳ صفحه ۱۸۴ (دو بار)؛ جلد ۹۵ صفحه ۳۹۲؛ جلد ۹۶ صفحه ۱۱۵؛ جلد ۹۷ صفحات ۱۲۸؛ جلد ۹۸ صفحات ۲۷۹ و ۳۰۳؛ جلد ۹۹ صفحات ۸۱ و ۹۶؛ جلد ۱۰۰ صفحات ۶۲ و ۱۸۲ و ۲۹۸. جلد ۱۰۹ صفحه ۱۲۴ (دو بار)؛ جلد ۱۱۰ صفحه ۲۸۶ (دو بار).

۳/۵- محتوا: محتوای این دو زیارت کاملاً متفاوت با یکدیگر است. در زیارت شهدا، نامی از امام حسین (ع) نیست. این زیارت همان گونه که از نامش پیدا است، ویژه شهدای کربلا غیر از امام حسین علیه السلام است. در زیارت ناحیه مقدسه، نام شهدا و قاتلین آنها نیامده و تأکید اصلی بر امام حسین علیه السلام است.

نتیجه

بر اساس مطالب بالا روشن شد که:

- ۱- زیارت شهدا از سوی امام هادی (ع) بوده و به اسم زیارت ناحیه و یا زیارت ناحیه مقدسه نیست. زیارت شهدا مربوط به شهدا می‌باشد و اصلاً نام امام حسین را ذکر نکرده است.
- ۲- زیارت ناحیه مقدسه غیر از زیارت شهدا است و از سوی امام

۱- برای جستجوی آنها می‌توان از سی دی معجم فقهی استفاده کرد.

زمان (عج) صادر شده است و اسم آن هم زیارت ناحیه مقدسه است. در میان زیارات، فقط این زیارت به اسم زیارت ناحیه مقدسه می باشد و هیچ زیارت دیگری به این نام نیست.

۳- نتیجه مهم دیگر این که: فقط یک زیارت ناحیه مقدسه داریم و اگر در جایی گفته شده و یا بیان شود که چند زیارت ناحیه داریم، غلط است و خدشه کردن به منشأ صدور آن (امام زمان) ناصحیح می باشد و نباید آن را با زیارت شهدا اشتباه کرد و بدین جهت گفت: از امام هادی یا از امام عسکری است و از امام زمان نیست.

* * * * *

همانطور که در مقدمه بخش دوم بیان شد، بعضی از بزرگان فرموده اند: زیارت ناحیه مقدسه از امام زمان نیست و سند آن ضعیف است. در اینجا عبارات آنها و اشکال کلامشان بیان می شود تا سخن صحیح و کلام حق روشن گردد.

۱- مرحوم حاج شیخ عباس قمی، نفس المهموم:

ص ۲۷۶ به مناسبت سعید بن عبدالله الحنفی: «هذه الزيارة الشريفة المروية عن الناحية المقدسة».

و ۲۹۰ به مناسبت انس بن کاهلی: «فی الزيارة المروية عن الناحية المقدسة».

ملاحظه می شود که ایشان هیچ اشکالی نگرفته حتی با عبارت «الزيارة المروية عن الناحية المقدسة» تأیید کرده است. فقط در هر دو جا زیارت شهدا را اشتباهاً «زیارت ناحیه مقدسه» ذکر نموده اند.

۲- مرحوم دکتر ابراهیم آیتی، تاریخ عاشورا، کتابخانه صدر، سال ۱۳۴۷ ش.

ص ۱۲۲، سطر آخر: «در زیارت ناحیه مقدسه نیز که در اقبال سید بن طاووس نقل شده است نام هفتاد و دو تن از شهدا ذکر شده است و این زیارت

که تاریخ صدور آن از ناحیه مقدسه سامرا سال ۲۵۲ می باشد باید از ناحیه مقدسه امام حسن عسکری (ع) شرف صدور یافته باشد، نه از ناحیه مقدسه امام زمان (ع)، چه در این تاریخ یعنی سال ۲۵۲ هنوز امام زمان تولد نیافته بود.»

۳ - مرحوم محمد مهدی شمس الدین، انصار الحسین، ترجمه هوشنگ اجاقی، نشر آفاق، چاپ اول، محرم ۱۴۰۶ ق.

ایشان در هرکجای کتاب خواسته زیارت شهدا را نام ببرد، گفته «زیارت منسوب به ناحیه مقدسه» که از آن جمله است:

ص ۸۱: «در جدول نخست شهدائی را که نام آنها در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر آمده است، قید کرده ایم.»

این زیارت علاوه بر مناسب‌های مختلف، به مناسبت تمامی شهدای مذکور در زیارت شهدا ذکر شده است.

در ص ۱۶۳ با تیترا «زیارت شهداء منسوب به ناحیه مقدسه» زیارت را ذکر نموده و در آغاز چنین گفته است:

«در کتاب اقبال چنین آمده است: ... [من = شیخ محمد غالب اصفهانی] برای زیارت مولایم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و زیارت دیگر شهیدان رضوان الله علیهم از ناحیه مقدسه [کسب اجازه] ^(۱) نمودم. از ناحیه مقدسه برای من این زیارت خارج شد: بنام خداوند بخشنده مهربان. اگر قصد زیارت شهداء رضوان الله علیهم را داشتی...» بعد زیارت شهداء را ذکر و ترجمه نموده است.»

ملاحظه می شود که ایشان در ابتدا عبارت «ناحیه مقدسه» و سپس کلمه «مقدسه» را به غلط، به نوشته سید بن طاووس اضافه کرده است (به متن آن

۱ - در این جا کلمه «کسب اجازه» لازم است. اگرچه در کتاب مذکور نیامده است. چنانچه در اصل کتاب که به زبان عربی است، عبارت «استأذن» آمده و بعلاوه همین عبارات با اصلاح و اضافه کردن «کسب اجازه» در ص ۱۹۰ کتاب مذکور آمده است.

رجوع شود) سپس اشکال نموده که این زیارت از ناحیه مقدسه امام زمان نیست.

سپس در صفحات ۱۹۰ تا ۱۹۹، زیارت شهداء را مورد بررسی قرار داده است، نه زیارت ناحیه مقدسه را. آنگاه برای محل صدور آن دو احتمال (امام عسکری و امام زمان) داده و سرانجام در ص ۱۹۹ چنین بیان نموده است: «بنابراین، نه می توان زیارت را منسوب به امام مهدی علیه السلام دانست و نه می توان ترجیح داد که متعلق به امام حسن عسکری علیه السلام باشد.» مسئله مهم این است که زیارت امام حسین که از ناحیه مقدسه امام زمان صادر شده مورد بررسی قرار نگرفته و به اشتباه، زیارت شهداء، را ناحیه مقدسه تصور کرده است.

۴ - مرحوم سید عبدالرزاق موسوی در مقتل المقوم :

ص ۳۱۶ : «و فی زیارة الناحية المقدسة، السلام علی الجریح المأسور...»
ص ۳۴۲ : «و فيه يقول حجت آل محمد عجل الله فرجه: السلام علی عبد الله الرضيع المرمى الصريع...»

ملاحظه می شود که ایشان هیچ اشکالی نگرفته است. فقط در هر دو جا زیارت شهداء را اشتباهاً «زیارت ناحیه مقدسه» ذکر نموده است.

۵ - مرحوم آیت الله العظمی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۴.

به مناسبت جبلة بن علی شیبانی فرموده: «وقع التسليم فی زیارة الناحية المقدسة، الا انّ سندها ضعيف»

ایشان زیارت شهداء را به اشتباه، زیارت ناحیه مقدسه نامیده است. در نتیجه ضعف سند مطرح شده مربوط به زیارت ناحیه مقدسه می باشد که فعلاً مورد توجه نمی باشد.

۶ - آیت الله العظمی محمد حسن فقیه یزدی و همسر ایشان، ولایت در پرتو

زیارت، آیات بینات، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.

ص ۱۷۲ پ ۲: «زیارت ناحیه مقدسه از جمله زیاراتی است که در شأن

شهدای کربلا وارد شده و نام تمام شهداء را یکایک بیان کرده است این زیارت به انشاء از طرف ناحیه مقدسه در سال ۲۵۲ هجری خارج شده است. در ص ۱۷۵: این تاریخ صدور با زمان امام هادی منطبق است.

ملاحظه می شود که :

اولاً : کلمه «مقدسه» در صدر کلام و انتهای آن، در کتاب اصلی (اقبال بالاعمال الحسنة سيّد بن طاووس) نیست.

ثانياً: زیارت شهداء مورد توجه بوده، نه زیارت ناحیه مقدسه که اختصاص به زیارت امام حسین (ع) دارد. چنانکه در ص ۱۷۵ فرموده اند: «زیارت ناحیه مقدسه، به زیارت شهداء اطلاق شده است». یعنی خودشان اذعان نموده اند که این زیارت، زیارت شهداء می باشد، نه زیارت امام حسین (ع).

جمع بندی و اشکال عمومی آنها

ملاحظه می شود که تمامی این اظهار نظرها بی مورد و اشتباه است، زیرا: اولاً : کلمه «مقدسه» را به «ناحیه» اضافه کرده اند، در حالی که در مدرک اصلی (الاقبال بالاعمال الحسنة) چنین نیست و فقط عبارت «خرج من الناحیه» ذکر شده است.

به نظر می رسد علماء مذکور بدون دیدن مدرک اصلی و بدون دقت، به صرف گفته دیگران، به دادن جواب اشکال پرداخته اند.

ثانياً : نام زیارت را که «زیارت شهداء» است به عنوان «زیارت ناحیه مقدسه» قلمداد کرده اند. در حالی که این دو زیارت کاملاً با یکدیگر متفاوت می باشد. اول باید محل نزاع را مشخص و یکسان نمود، سپس اشکال را مطرح کرد.

پس اشکال تمامی این بزرگان وارد نیست و کلام آنها (زیارت ناحیه مقدسه از امام زمان نیست) کاملاً نادرست بوده و اظهار نظرها و تحقیقات بیجا است. در واقع اشکال کلام آنان در این بوده که ابتدا عبارت «ناحیه مقدسه» را

جایگزین «شهداء» نموده‌اند، آنگاه بر آن اشکال کرده‌اند و اگر از ابتدا چنین خطائی نمی‌کردند، نیازی به تحقیق و توضیح نبود.

* * * * *

در پایان برای حسن ختام، دو نکته از تعالیم حیات بخش اسلام ذکر می‌شود تا نصب العین خویش قرار دهیم:
ما پیرو آن مکتب هستیم که فرمود:
﴿فاسئَلُوا اهل الذِّكْر ان کنتم لا تعلمون﴾ (نحل/۴۳): «اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر سؤال کنید».

نه اینکه اگر می‌دانید از کسی که نمی‌داند سؤال کنید.
و مهمتر اینکه فرمود:

﴿قُلْ فَاْتُوا بکتابٍ من عند الله هو اهدىٰ منهما اتَّبِعُهُ ان کنتم صادقین﴾ (قصص/۴۹) «بگو: پس اگر راست می‌گوئید، کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو (تورات و قرآن) هدایت‌کننده‌تر باشد تا پیرویش کنم.»
یعنی: اگر راه بهتری ارائه دهید که هدایت‌کننده‌تر باشد، من پیامبر از آن راه بهتر، پیروی می‌کنم.

و العاقبة لاهل التقوی

سید هدایت الله طالقانی - اردیبهشت ۱۳۸۶